فاجرانی که جهاد می‌کنند!

مؤلف: شیـــخ عطـیة الله اللیبی (رحمـه الله)

مترجم: صادق مـهاجر
بازبینی و تصحیح: علی مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين، وصلى الله وسلم وبارك على نبينا محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحابته أهلِ العزائم الطيبين الطاهرين، ومن تبعهم بإحسانٍ إلى يوم الدين

به برادران گرامی‌ام امیران مجاهد حفظهم الله

از برادر شما عطیة الله عفا الله عنه

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از خداوند متعال خواهانم که در بهترین حالت بوده و در کار خیر و افزایش تقوی موفق باشید.

الله متعال می‌فرماید: (وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) عصر 3-1

«سوگند به زمان، انسانها همه زیانمندند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند و همدیگر را به تمسّک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمّل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهائی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد).»

همچنین می‌فرماید: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) مائده 2

«در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. از خدا بترسید. بی‌گمان خداوند ﻷ دارای مجازات شدیدی است.»

(قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ) مائده 68

«بگو: ای اهل کتاب! شما بر هیچ (دین صحیحی از ادیان آسمانی پایبند) نخواهید بود، مگر آن که (ادّعا را کنار بگذارید و عملاً احکام) تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگارتان (به نام قرآن) برایتان نازل شده است برپا دارید.»

به خود و برادرانم یادآوری می‌کنم آنچه را که الله بر ما منّت نهاده که با آنها عبادتش کنیم و ما و شما را در زمره‌ی مجاهدان راهش قرار داده که برای نصرت دین و اعلای کلامش به پاخاسته‌ایم و این‌ها همه در زمانی است که امور دنیایی در آن غلبه پیدا کرده و بیشتر مردم دچار فتنه شده‌اند و هوای نفس و عبادت طاغوت‌های زنده و مرده رواج پیدا کرده است. پس الله را سپاس برای این نعمت بزرگش و از او می‌خواهیم توانایی شکرگزاری را به ما بدهد و ما را بر ذِکر، شُکر و حُسنِ عبادتش یاری دهد.

همچنین لازم است خود و شما را به آنچه که الله متعال به خاطر این تکلیف [و مسئولیت‌هایی که داریم] بدان ما را مورد آزمایش قرار داده است، یادآوری کنم. براستی این، امانت است، همانطور که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است و روز قیامت [در صورت ضایع کردن این امانت] چیزی جز خواری و پشیمانی در انتظارمان نیست، مگر کسی که راه حق را در پیش گرفته و هر آنچه توانسته انجام داده است. به الله سوگند که هرگز بنده نمی‌تواند حق آن امانت را برپا دارد مگر الله او را یاری دهد و او را موفق گرداند و هدایتش نصیب او شود و او را ثابت قدم گرداند و زهد و تقوایش را در نهان و آشکار نصیب او گرداند و یقین و قدرت را به او عطا کند و او را برای پذیرش این مسئولیت به عنوان عبادت و تقرّب الی الله یاری دهد. دست‌یابی به این مهم، ناشی از تلاش در تحقّق عبودیّت و احساس نیاز به الله و دعا کردن و تضرّع برای او و پایداری بر عبادتش در ظاهر و باطن و در حدّ توان، همراه با تواضع و کنترل و سرزنش نفس و ترس از بدی‌های آن است. همچنین ذکر کردن فراوان، دعا، نماز شب، روزه‌ی سنّت، حضور در مجالس صالحین و علماء و دوستی با آن‌ها و در رکاب آخرت‌طلبان و دوستی و یار آن‌ها بودن و دوری از اهل دنیا، فخرفروشان، ریاکاران، متکبّران، بدسرشتان و افرادی که ایمان ضعیف دارند، از سایر مواردی است که ما را در این راه یاری می‌دهند.

برادر بزرگوارم، این چند سطر را برای این نوشتم تا گامی برداشته باشم در جهت قیام و انجام کامل آنچه که الله در نصیحت به همدیگر، سفارش به حق و صبر و همکاری بر نیکی و تقوی، نصیحت مسلمین و امرایشان و امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا، دادن زکات علم و تجاربی که الله به ما ارزانی داشته است.

شکی نیست که ما همگی در یک کشتی هستیم، همانطور که در حدیثی که صحیح بخاری و در سنن ترمذی از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَثَلُ القائمِ على حدود الله والواقع فيها كمثل قوم استهموا على سفينة، فأصابَ بعضُهم أعلاها وبعضُهم أسفلها، فكان الذين في أسفلها إذا استقوا من الماء مرُّوا على مَنْ فوقهم، فقالوا لو أنا خرقنا في نصيبنا خرقاً ولم نؤذِ مَنْ فوقنا، فإن يتركوهم وما أرادوا هلكوا جميعا، وإن أخذوا على أيديهم نَجَوْا ونجوا جميعا»

«رفتار کسی که حدود الهی را به پا می‌دارد و کسی که در حال زیر پا گذاشتن آن است مانند قومی است که بر کشتی سوار شده‌اند، بعضی از آن‌ها در بالا و بعضی در پایین آن هستند، کسانی که در پایین آن هستند هنگامی که از آب می‌نوشند، بر کسانی که در بالای آن‌ها هستند، عبور می‌کنند. آن‌ها می‌گویند اگر سرجای خودمان سوراخی در کشتی ایجاد کنیم دیگر کسانی که در بالا هستند را اذیت نمی‌کنیم، پس اگر سایرین، آنان را در انجام خواسته‌هایشان رها کنند همگی نابود می‌شوند و اگر جلوی آنان را بگیرند همگی نجات پیدا می‌کنند.»

شکی نیست که مسیر جهادی امت‌مان، همیشه نیاز به کوشش و تلاش برای هدایت و استحکامش دارد. به راستی که راه‌های انحراف بسیار است و کسی از آن نجات پیدا نمی‌کند مگر کسی که بر پناه بردن به پروردگارش تداوم داشته باشد و در ظاهر، باطن، نهان و آشکارا به او تمسّک جوید.

الله متعال می‌فرماید:

(وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) آل عمران 101

«و هر کس به خدا تمسّک جوید، بی‌گمان به راه راست و درست (رستگاری) رهنمود شده است.»

پس هیچ پاکی و نجاتی از گمراهی‌ها نیست مگر با تمسّک به الله یکتا و کسی از فتنه‌ها نجات نمی‌یابد مگر آن کس که به الله پناه ببرد.

(لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ) هود 43

«امروز هیچ قدرتی در برابر فرمان خدا پناه نخواهد داد مگر کسی را که مشمول رحمت خدا گردد و بس»

و رستگار نمی‌شود مگر کسی که به الله متعال پناه بَرَد و همیشه در صف الله باشد و همیشه او را دوست خود قرار داده و دستوراتش را اجرا کند و حق عبودیت را برای او به جا آورد. براستی این چنین شخصی پیروز و پایدار است و آینده ازآنِ اوست و از ضرر و زیان نمی‌ترسد و چشمِ امید به تجارتی دوخته است که هرگز بی‌رونق نگشته و از میان نمی‌رود.

الله متعال می‌فرماید: (وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) انفال 10

«و پیروزی جز از سوی خدا نیست. بی‌گمان خداوند (بر هر کاری) توانا و حکیم (کارهایش از روی حکمت) است.»

(وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ) هود 88

«و توفیق من هم جز با (یاری و پشتیبانی) خدا (انجام پذیرفتنی) نیست. تنها بر او توکّل می‌کنم و (کار و بارم را بدو واگذار می‌سازم و با توبه و انابت) فقط به سوی او برمی‌گردم.»

(إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ * لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ) فاطر 29و30

«کسانی که کتاب الله(قرآن را) می‌خوانند، و نماز را پا برجای می‌دارند، و از چیزهایی که بدیشان داده‌ایم، پنهان و آشکار، بذل و بخشش می‌نمایند، آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که هرگز بی‌رونق نمی‌گردد و از میان نمی‌رود. تا خداوند اجرشان را به تمام و کمال بدهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید. چرا که الله آمرزگار و سپاسگزار است»

برادر عزیز!

باید همواره در این مسئله‌ی مهم تفکر کنیم: چه فایده‌ای می‌بریم اگر بر دشمنان پیروز هم شویم و آنان را نابود کنیم و از آنان انتقام گرفته و دولتی اسلامی بر پا کنیم و در این جنگ و درگیری پیروز شویم امّا الله به دلیل گناهان آشکارا و نهانمان بر ما خشمگین شده، سپس سرانجام‌مان ورود به جهنم شود؟! پناه بر خدا!

مگر پیامبر صلی الله علیه وسلم نگفته است: «**إن الله ليؤيد هذا الدين بالرجل الفاجر**»

«الله این دین را به وسیله‌ی انسان فاجر یاری می‌دهد.»

پس به طور خلاصه سفارش و نصیحت مهم، همیشگی و واجب این است که: بر دین الله و شریعتش و احکام ظاهری و باطنی‌اش در درون‌مان به صورت نهان و آشکارا پایبند باشیم. ابتدا خودمان و سپس هر کس که تحت ولایت ماست از جمله خانواده، پیروان و مردم. به خاطر الله ببخشیم و به خاطر او منع کنیم، به خاطر او دوست داشته باشیم و به خاطر او کینه بورزیم. دوستی و تقرّب‌مان به خاطر او و دشمنی و عبادت-مان به خاطر او و رضایت‌مان به خاطر او و بغض و کینه‌مان هم به خاطر او باشد.

برادر عزیزم کارهای مهمّی وجود دارد که گمان می‌رود بر ما واجب است:

از جمله: بطور عام و کلّی بر ما واجب است که برای نشر فقه و علم صحیح و نافع، آگاهی و فرهنگ اسلامی در پیروانمان و افراد جماعت‌مان بکوشیم. با ایجاد مدارس و برپایی دوره‌های آموزشی شرعی و

جلسات علمی و فرستادن طلبه برای عالم شدن در آینده و برپایی درس در مساجد، مصلّاها و مجتمعات و با انتشار کتاب‌ها و سعی در خواندن و تحصیل علم و دوستی با اهل علم امین و صالح، این امر امکان‌پذیر است.

براستی که علم نافع و کثرت و تعداد زیاد علما و طلبه‌ها دریچه‌ی اطمینانی برای جماعت و امّت است.

امّا بطور خاص و خطاب به مجاهدین باید گفت که براستی از مهم‌ترین واجباتی که باید آن را یاد گرفته و میان پیروان و افراد جماعت‌مان انتشار دهیم علم به احکام جهاد و جنگ و قتال است. اینکه جنگ با چه کسی برای ما مباح است و چه کسی مباح نیست و چه چیزی برای ما از تصرّف اموال او مباح است و چه چیزی جایز نیست و کلاً در جهاد و متعلّقات آن چه تصرّفاتی برای ما جایز است و چه جایز نیست.

اصول عامی وجود دارد که شایسته است که مجاهدین بدان تمسّک جویند و تفاصیل آن نزد علمایشان است و برای همه‌ی مجاهدان امکان یادگیری تمام آن و بیشتر تفاصیل وجود ندارد.

شکّی نیست که در مسیر جهاد و همزمان با گسترش آن کسانی وارد جهاد می‌شوند که اصول آن را نمی‌دانند، بلکه نیاز به هدایت، تصحیح، محاسبه و مراقبت بیشتری دارند. در این مرحله‌ای که ما در آن هستیم، اشتباهات و انحرافات فراوانی از مجاهدین می‌بینیم، که علت آن جهل یا ورود گروه‌هایی از مردم در صفوف مجاهدین است که تربیت اسلامی صحیح نصیب‌شان نشده و در آن‌ها جاهل، فاسد و ضعیف الایمان وجود دارد و به تعبیر اهل علم، آن‌ها فاجر ولی مجاهد هستند!! پس جای تعجّب نیست که از انحراف، فساد و هلاکت در حرکت جهادی بترسیم. از خداوند ﻷ سلامت و عافیت را خواهانیم.

لذا الزاماً باید در برخی تفاصیل وارد شویم و بگوییم: از جزئیات علمی که بر ما درك آن واجب است و باید آن را بین مجاهدین منتشر کرده و آن را به فقه حقیقی و درست تبدیل کنیم به طوری که مجاهدین، صاحبِ بصیرتی قاطع و التزامی کامل در آن شوند، علم به عظمت و بزرگی حُرمتِ خون مسلمانان و نشان دادن اهمیّت آن است. براستی قتل مؤمن از بزرگترین گناهان است، شاید بر اساس دلایل شرعی بزرگترین گناه بعد از کفر و شرك باشد، براستی سزای آن در کتاب و سنّت از بزرگترین عذاب‌هاست، به همین خاطر کسی که این کار را انجام داده باشد بعید است که رستگار شود،

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«**لا يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دماً حراماً**» به روایت بخاری

«مؤمن تا زمانی که مرتکب خون ناحق نشده باشد در دینش گشایش دارد (در امان بسر می‌برد و احتمال می‌رود که توبه‌اش پذیرفته شود).»

نمی‌توان گفت که همه‌ی مجاهدین بر این امر آگاه هستند، واقعیت این امر را تصدیق نمی‌کند. بدون شک در برخی قبائل و اغلب شهرهای افغانستان و پاکستان اینگونه نیست، در این قبائل فرهنگِ قتل، انتقام و بی ارزش دانستن جان و ساده گرفتن آن در هنگام جنگ و کینه و دشمنی رواج دارد و شریعت خداوند لا در این منطقه حاکم نیست و بر آن به درستی پایبند نیستند مگر دینداران واقعی و اهل توحید که آنان کم هستند.

خلاصه بر ما واجب است که این علم (علم به بزرگی حرمت خون مسلمان و بزرگی حق خون، مال و آبروی مسلمان) را به شکل عملی و بوسیله‌ی تمام وسائل نشر علم، در صفوف مجاهدین منتشر کنیم. بر ما واجب است مانند امرا و مسئولین به پیروان خود توجه کنیم و آنان را باز خواست کنیم و شریعت را با پایبندی به احکام الله و پایداری بر اطاعت از او و اجرای مجازات کسانی که با آن مخالفت می کنند، برای خود نیز برپا کنیم.

اگر این کار را انجام ندهیم و نسبت به مواضع اجتماعی‌مان سُست باشیم و با یکدیگر در این موضوع رودربایستی داشته باشیم و امیران نسبت به بازخواستِ پیروانشان و امر و نهی و هدایت آن‌ها بر عبادت و پایداری بر شریعت ناتوان شوند، به شدّت شکست می‌خوریم و پناه بر خدا سرنوشت‌مان هلاکت است...خداوندا از خشمت به تو پناه می‌بریم... من به شما شهادت می‌دهم که من و فرمانده‌ام و برادرانم از همه کسانی که مخالف شریعت هستند، مبرّا هستیم، براستی ما کسانی را دوست داریم و به آنان نزدیک می‌شویم و به آنان راضی هستیم که مُحِب و فرمانبر خداوند لا باشند و او را خالصانه اطاعت و شکرگزارش باشند و از کسانی که مخالف این باشند، هر جا که باشند بیزاریم و دوری می‌جویم.

از موارد دیگری که لازم است در مورد آن بحث کنیم شرح فقه عملیات استشهادی و عملیاتی است که فقها آن را تَتَرُّس می‌نامند و می‌خواهیم بحثی در مورد تعریفِ حدود و ضوابطِ آن داشته باشیم. این مطلب را برای افرادمان و به خصوص دو صنف از آن‌ها شرح خواهیم داد: برای فرماندهان نظامی که اجرای عملیات استشهادی را بر عهده دارند و برای مجاهدینی که خود را فدا می کنند (استشهادی‌ها).

در بعضی موارد دیده‌ایم که از طرف استشهادی‌ها بی‌دقتی و جهل و بی‌تفاوتی نسبت به مردم رخ می‌دهد. در بعضی موارد فردِ استشهادی جوانی کم سن و سال است که فهم مناسبی از علم، معرفت و تربیت دینی را نیافته است و خطرناک‌تر این است که شاید در بعضی موارد ـ پناه بر خدا ـ دارای انحرافات دینی

باشد و بدان سخن بگوید، مثل این که بعضی از مجاهدان این‌گونه به او بفهمانند که مردم عوامی که در خیابان‌ها هستند منافق هستند و در برابر حق و یاری مجاهدین سکوت می‌کنند پس آنان با طاغوت و مرتدین هستند و نسبت به آن‌ها راضی هستند و الی آخر!! و بر کسی که از آن‌ها بکشد، اشکالی نیست و خون آن‌ها بر گردن او نیست!! بدون شک این، اشتباهی بزرگ، گمراهی آشکار و راه فساد بزرگی است.

در حقیقت، مردمِ عوامی که در خیابان‌ها، بازار و عموم سرزمین‌های اسلامی که حاکمان مرتد بر آنجا حکم‌رانی می‌کنند، هستند، حکمشان در اصل، اسلام است. افراد صالح و غیر صالح نیز در این اجتماع هستند. بله در آن‌ها کافر و مرتد نیز وجود دارد، که اگر به طور عینی شناخته شوند خونشان حلال است. اما به طور خلاصه مردمِ عوام در سرزمین‌های ما و همه سرزمین‌های مسلمین، قطعاً حکم آن‌ها به دلیل کتاب و سنّت، دلایل آشکار و فقه‌های شناخته شده در مذاهب مسلمین، اسلام است و از مسلمین به حساب می‌آیند. تفصیلِ این موضع نیاز به کتاب‌ها و بحث‌های فراوانی دارد و هرکس غیر از این بگوید، افراط کرده و گمراه شده است و با قاطبه‌ی اهل علم مخالفت کرده است.

پس در عوام مسلمین، فسق، فجور، کوتاهی و عدم تحرّک نسبت به جهاد یا غیره وجود دارد و هرکس قتلِ عمد آن‌ها را شرعی بداند و نسبت به خون آن‌ها بی‌تفاوت باشد و همانطور که در موردش گفتم گمان کندکه چنین و چنان هستند پس او گمراه است و از حدود علم و فقه خارج است و مرتکب کاری حرام و دچار خشم، عذاب و مجازات الله می‌شود و سزاوار است که الله شکست را نصیب او گرداند و دشمنان بر او چیره شوند!

برادر عزیز من، اگر در مورد بعضی مجاهدین از این موارد به گوش شما رسید، از شما می‌خواهم که با علم شرعی به معالجه بپردازید. در واقع این واجبی ضروری است که لازم است خیلی زود به آن عمل شود. در صورتی که به سرعت جلوی کار آن‌ها را نگیرید، من به شما درباره عواقب بد آن هشدار می‌دهم، پس برای اصلاح فوراً عمل کنید و آن را اولویت کار خود قرار دهید، در این صورت است که خداوند ﻷ امور شما را اصلاح می‌کند و شما را یاری می‌دهد.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) محمد 7

«ای مؤمنان ! اگر(دین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند (و بر دشمنانتان پیروز می گرداند) و گامهایتان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد).»

در معیار دین و دنیا، چگونه پروژه‌ای سیاسی انقلابی به پیروزی می‌رسد که طرفداران و امراء آن برای بدست آوردن رضایت اصناف مختلف مردم، جذب و تحت‌تأثیر قرار دادن و کنترل آن‌ها تلاشی نکنند؟ چگونه امیدوارند که پروژه و انقلاب‌شان پیروز شود در حالی که مردم از آن‌ها متنفرند؟ و هر روز از آن‌ها دوری می‌جویند و با زبان حالشان می گویند: «آنها را آزمودیم و مورد خشم و نفرت ما گشتند.» چگونه برنامه‌ی فردی به پیروزی می‌رسد در حالی که مردم به او بگویند:

(إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ) قصص 19

«در زمین جز این نمی‌خواهی که ستمگر زورگوئی باشی و نمی‌خواهی که از اصلاحگران باشی.»

هنگامی که گوینده‌ی این اقوال زیاد شد و این اعتقاد در مردم منتشر شد و اعمال این فرد تأیید شد و از او دست کشیدن از خطا و مهربانی، رحم و احسانی دیده نشد، قطعاً به پیروزی نمی‌رسد.

چگونه پیروزی ممکن است در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم که بهترین مردم بود، الله به او می-گوید:

(وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ) آل عمران 159

«و اگر درشتخوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

جای تعجّب نیست که بر فرماندهان مجاهدین واجب است که پیروانشان را آموزش دهند و آن‌ها را تربیت کنند ـ و قبل از آن خود به این اخلاق مزین باشند ـ که نسبت به مردم مهربان باشند، به آنان رحم کنند و بر آن‌ها آسان بگیرند، بر خطا، اشتباه و کمبودهایشان صابر باشند. در اصلاحشان به جای قتل و انتقام، با مدارا، نرمی و بصورت تدریجی بکوشند.

به راستی پیامبر صلی الله علیه وسلم امکان نداشت فرستاده‌ای را بفرستد یا فردی را به امیریِ سریه یا لشکری بگمارد مگر اینکه همانطور که در احادیث بسیاری آمده است، می‌فرمود:

«يَسِّرُوا و لاتعَسِّرُوا و بَشِّرُوا و لاتنَفِّرُوا»

«آسان بگیرید و سخت گیر نباشید و بشارت بدهید و ایجاد نفرت نکنید.»

آیا در این اندیشیده‌ایم و فقهِ آن را درك و به آن عمل کرده‌ایم؟!

همچنین بر ما واجب است که مجاهدان را از غلو در دین حفظ کنیم، مخصوصاً در مسئله‌ی حکم کردن به تکفیر که براستی غلو در آن مصیبتی عظیم است و از خبیث‌ترین مسائلی است که ممکن است مجاهدین به آن مبتلا شوند. تجربه‌های مهمّی در این مورد برای عبرت گیران وجود دارد. غلو در حالت کلی دردی کشنده و مرضی خطرناك در تمام دین است، همانطور که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«إياكم والغلوَّ في الدين فإنما أهلك من كان قبلكم الغلوُّ في الدين»
[به روایت احمد، نسائی و غیر از آنها]

«از غلو در دین بر حذر باشید، همانا کسانی قبل از شما بودند که به علت غلو در دین هلاك شدند.»

همچنین می‌فرماید:«**هلک المتنطعون. قالها ثلاثاً**» به روایت مسلم

«سخت گیران و تندروها هلاك شدند. سه مرتبه تکرار فرمودند.»

منظور در اینجا به طور مطلق غلو در دین است (که امری نکوهیده می‌باشد) و هنگامی که این غلو در مورد حکم تکفیر مسلمین باشد و نسبت به آن جرأت پیدا شود و نسبت به خطر آن بی‌اهمیّتی جلوه کند، شدیداً نابودگر و باعث ضرری بزرگ و هلاکت می‌شود. الله ما، شما و همه برادران‌مان را از این مسئله حفظ کند.

همانطور که در ابتدا گفتیم، از بعضی از مجاهدان می‌شنویم که بعضی از آن‌ها جرأت تکفیر سایر مجاهدین یا تکفیر عوام مردم را پیدا کرده‌اند. پس بر ما واجب است که از آن دوری کنیم و با تمام قدرت در تلاش برای تربیّت مجاهدین بر منهاج صحیح در این مورد باشیم. بنده این امور را تجربه کرده‌ام و شما را به إذن الله با سخنی نافع راهنمایی می‌کنم:

تربیت برادرانمان بر تمرکز بر عیوب نفس و مشغول بودن نسبت به اصلاح آن و تزکیه‌ی نفس و دروری از نگاه کردن در عیوب مردم باشد و تربیت آن‌ها بر طلب عافیت و سلامت در دین باشد. آگاه کردن آن‌ها نسبت به فتوی دادن در مورد مسائل دین بدون علم و بدتر از آن تکفیر مسلمانی بدون علم لازم و بدون دلیل که باید به علمای واجد شرایط و مشهور به دیانت و پرهیزگاری واگذار شود و منع کردن عوام به طور مطلق از پرداختن به این مسائل نکات مهم دیگری است که باید رعایت گردد. بر امیران واجب است

هنگامی که شنیدند عوام مجاهدین در مورد تکفیر شخصی از مردم سخن می گویند، نسبت به کسانی که با اجتهاد، شخصی را تکفیر کرده‌اند عصبانی شوند و آنان را از این کار منع کنند.

هنگامی که این را انجام دادیم، پس بر شما باد بشارتِ نصر و پیروزی. إن شاءالله

باید معنای این حدیث روایت شده را که از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است به مجاهدین آموخت:

«طوبی لمن شغله عیبُهُ عن عیوب الناس»
[به نقل از ابن حجر در بلوغ المرام، بزار با اسناد حسن آن را استخراج نموده است.]

«خوشا به حال کسی (و یا درخت طوبی در بهشت نصیب کسی) که عیبش او را از پرداختن به عیب‌های مردم باز می‌دارد.»

همچنین فرموده‌ی دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم :

«**المسلمُ مَن سلَّم المسلمون من لِسانه ویَده**» به روایت بخاری و مسلم

«مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند.»

و در حدیث دیگر می‌فرماید:

«**المجاهد من جاهد نفسه في ذات الله والمهاجر من هجر ما نهى الله عنه**»

«مجاهد کسی است که با نفسش به خاطر خدا جهاد کند و مهاجر کسی است که از آنچه که خدا نهی کرده است، دوری گزیده و هجرت نماید.»

همچنین حدیث معاذ بن انس الجهنی رضی الله عنه که می‌فرماید:

«با پیامبر در غزوه‌ای بودیم که مردم خانه‌هایی را خراب کردند و راه‌هایی را بستند، پیامبر یکی را فرستاد و در میان مردم ندا داد که هرکس خانه‌ای را خراب کند یا راهی را ببندد، (اجرِ) جهادی برای او نوشته نمی‌شود.»

به روایت ابوداد و احمد و در بعضی از روایات این حدیث آمده

«یا مؤمنی را اذیت کند، جهادی برای او نیست.»

همچنین بر فرماندهان مجاهدین واجب است که با تلاش، جدیت و پایداری بر مواظبت از خود و پیروان‌شان از سایر آفاتی که دچار آن می‌شوند، عمل کنند. از جمله: عُجب (خود برتر بینی)، غرور، کبر و علیه مردم برخاستن و ظلم به آن‌ها. پناه بر خدا که اینها از امراض فاسد کننده‌ی ایمان و باعث هلاکت می‌شود.

علت آن هم این است که مجاهد به فقه و معارف نافع، خود را مجهز نکرده و این نیز به نوبه‌ی خود ناشی از شرایطی است که در آن جهاد می‌کند و وحشت ناشی از آن و پرداختن به امور جنگ، غلبه و چیرگی در مقابل دشمنان، همچنین دیدن مردمی که مجاهدان را خوار می‌کنند در حالی که واجب است آنان را یاری کنند و فراوانی خصومت‌ها و دشمنی‌های سرسختانه‌ای که به علت حرکت در راه جهاد مشاهده می‌کند. همه‌ی این‌ها باعث می‌شود تا دچار این امراض شود و شیطان هم ابتلا به این امراض را تسهیل کرده و او را دچار انواع حیله و جدل می‌کند و به علت بی‌تدبیری و غربتی که در آن است، مقداری آرامش در آن امراض می‌بیند و در نتیجه گرفتار شرِّ بزرگی شده و شیطان در فاسد کردن جهادش پیروز می‌شود. همانا پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما خبر داده است که شیطان در راه سَیر انسان به سوی الله هر جا که امکانش باشد، نشسته است تا دین، هجرت و جهادش را فاسد کند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«إن الشیطان قعد لابن آدم بأطْرُقِهِ؛ فقعد له بطریق الإسلام فقال تسلم وتذر دینك ودین آبائك وآباء أبیك؟ فعصاه فأسلم، ثم قعد له بطریق الهجرة فقال تهاجر وتدع أرضك وسماءك؟ وإنما مثل المهاجر كمثل الفرس فی الطِوَلِ، فعصاه فهاجر، ثم قعد له بطریق الجهاد فقال تجاهد فهو جَهْدُ النفس والمال فتقاتل فتقتل فتنكح المرأة ویقسم المال، فعصاه فجاهد. فقال رسول الله صلى الله علیه وسلم : فمن فعل ذلك كان حقاً على الله عز وجل أن یدخله الجنة، ومن قتل كان حقا على الله عز وجل أن یدخله الجنة، وإن غرق كان حقا على الله أن یدخله الجنة، أو وقصته دابته كان حقا على الله أن یدخله الجنة » [به روایت احمد و نسائی و غیر از آنها]

«همانا شیطان در تمام راه‌های بنی آدم نشسته است، از جمله در راه اسلامش نشسته و به او می‌گوید اسلام می‌آوری و دین خود و دین پدرت و اجدادت را رها می‌کنی؟ پس با او مخالفت می‌کند و اسلام می‌آورد، سپس در راه هجرت می‌نشیند و به او می‌گوید هجرت می‌کنی و زمین و آسمانت را رها می‌کنی؟ ـ همانا مثال راه مهاجر مانند حرکت اسبی در مسیری طولانی است ـ از او نافرمانی می‌کند و هجرت می‌کند، سپس در راه جهاد برای او می‌نشیند و به او می‌گوید می‌خواهی جهاد کنی در حالی که آن، جهادِ نفس و مال است واگر بجنگی کشته می‌شوی و همسرت ازدواج می‌کند و اموالت تقسیم می‌شود. باز از او

نافرمانی می کند و جهاد می کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: پس هر کس این کار را انجام دهد، این حق بر الله است که او را وارد بهشت کند و هر کس کشته شود این حق بر الله است که او را وارد بهشت کند و اگر غرق شود این حق بر الله است که او را وارد بهشت کند و یا اگر از روی سواری بی‌افتد، باز این حق بر الله است که او را وارد بهشت کند.»

همانطور که گفته شد علت این مسائل نداشتن علمِ دین است، پس علاج آن آگاهی و هوشیاری در دین و تربیت اسلامی صحیح و توجه به تزکیه است. سپس بدست گرفتن امور توسط افراد امین و صالح، کسانی که اهل تقوا و خوی و رفتار معتدل هستند. کسانی که اهل صبر، چشم‌پوشی و بخشش هستند، برای الله می‌بخشند و از غیر او جزا و پاداشی نمی‌خواهند، نسبت به اطرافیان‌شان مهربان و نسبت به مردمی که الله آن‌ها را مورد رحمت خود قرار داده، مهربان هستند.

الله متعال می‌فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ * قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) حجرات 18ـ15

«مؤمنان (واقعی) تنها کسانیند که به الله و پیغمبرش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شکّ و تردیدی به خود راه نداده‌اند و با مال و جان خویش در راه خدا به تلاش ایستاده‌اند و به جهاد برخاسته‌اند. آنان (بلی آنان ، در ایمان خود) درست و راستگویند. بگو: آیا شما الله را از ایمان خود باخبر می‌سازید، در حالی که خدا از تمام چیزهائی که در آسمانها و زمین است باخبر است؟! و الله از همه‌چیز دقیقاً آگاه است.آنان بر تو منّت می گذارند که اسلام آورده‌اند! بگو: با اسلام خود بر من منّت مگذارید، بلکه الله بر شما منّت می گذارد که شما را به سوی ایمان آوردن رهنمود کرده است، اگر (در ادّعای ایمان) راست و درست هستید. خداوند رازها و نهانی‌های آسمانها و زمین را می‌داند و او می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهید.»

در این آیات کریم، الله متعال صفت ایمان را منحصر به کسانی کرده است که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس دچار شک و تردید نشده‌اند و با بخشش اموال و جان‌شان فقط در راه خدا جهاد کرده‌اند، سپس الله متعال گوینده‌ی آن‌ها را در این آیات به خاطر افتخار کردن‌شان به خبر دادن به ایمان‌شان در حالی که دارای صفات ابتدایی آیات نیستند، سرزنش و توبیخ می کند (جماعتی از اعراب بودند) و از آن‌ها

به خاطر منّت گذاشتن بر رسول به خاطر ایمان آوردنشان به اسلام عیب جویی می‌کند و سپس به پیامبر صلی الله علیه وسلم امر می‌کند که آن‌ها را از منّت گذاشتن نهی کند و به آنان خبر می‌دهد که منّت فقط از آن الله است.

در مورد عیب افتخار کردن و به خود نازیدن و سرزنش منّت و منّت گذاران بعد از خاطر نشان کردن صفت مؤمنین، به جاست که به خطر این مرض و نفاق انگیزیِ آن در ایمان و اختلال در صفت مؤمن اشاره شود.

همچنین بر فرماندهان مجاهدین واجب است که برای متحد کردن صفوف مجاهدین، ایجاد همدلی، یک صدا کردن و ایجاد محبت و دوستی بین آنان با انواع وسائل شرعی از قول و فعل تلاش کنند. همانطور که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«**مثلُ المؤمنين في توادّهم وتراحمهم وتعاطفهم مَثَلُ الجسدِ ، إذا اشتكى منه عضوٌ تداعى له سائرُ الجسد بالحمَّى والسَّه**» [به روایت بخاری و مسلم]

«مثال مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضاء بی قرار می‌گردند و تب می‌کنند.»

الله متعال می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ) صف 4

«الله کسانی را دوست می‌دارد که در راه او متّحد و یکپارچه در خطّ و صفّ واحدی می‌رزمند، انگار دیوار سربی بزرگی هستند.»

الله عزوجل این را واجب کرده و به آن راضی و بدان امر کرده است، پس بر ما واجب است که در تحقق آن تلاش کنیم و این امر با رایج کردن وسایل دوستی بین مؤمنین و از بین بردن عوامل مخالف آن مانند فرقه‌گرایی، اختلاف، بغض، دوری و روی گردانی، محقق می‌شود.

براستی شریعت پاک در موارد بسیاری به عوامل دوستی اشاره کرده و از همه‌ی عواملِ دوری، روی گردانی، دشمنی و کینه نسبت به مؤمنان، بر حذر داشته است. گاهی به صورت مفصَّل و گاهی به صورت کلی و مختصر به این امور پرداخته است و این از محاسن شریعت اسلام عزیز و ربانی است.

پرداختن به این مسئله بسیار گسترده است. پس در کتاب‌های اهل علم مانند کتاب‌های رفتار و اخلاق و فضائل و کتب حدیث و شرح آن، در این مورد می‌توانید بیشتر مطالعه داشته باشید.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت میکند که فرمود:

«إياكم والظنَّ فإن الظن أكذبُ الحديث، ولا تحسّسوا، ولا تجسّسوا، ولا تنافسوا، ولا تحاسدوا، ولا تباغضوا، ولا تدابروا، وكونوا عبادَ الله إخواناً كما أمركم، المسلمُ أخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يحقره، التقوى ههنا التقوى ههنا التقوى ههنا، وأشار إلى صدره، بحسْبِ امرىءٍ منَ الشرِّ أن يحقر أخاه المسلمَ، كلُّ المسلمِ على المسلم حرامٌ؛ دمُهُ وعرضه وماله »

[به رویت مالك و بخاری و مسلم و لفظ حدیث از وی است و ابو داوود و ترمذی همچنین در ترغیب و ترهیب منذری به آن اشاره شده است.]

«از گمان بد، اجتناب کنید. زیرا گمان بد، بدترین نوع دروغ است. به دنبال عیوب دیگران نباشید، تجسس نکنید، در مال دنیا با هم رقابت نکنید و به یکدیگر حسادت نورزید. با یکدیگر، دشمنی نکنید و پشت ننمایید و برادروار خدا را عبادت کنید، مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی‌کند، او را خوار و تحقیر نمی‌کند، در حالی که به سینه‌اش اشاره می‌کرد فرمود تقوی اینجاست تقوی اینجاست، از گرفتاری در شر همین برای انسان کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر کند، خون، ناموس و آبرو هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.»

در نهایت این از مهم‌ترین مسائل است که شایسته است فرماندهان مجاهدین به آن توجه کنند.

مشکلی نیست که در این مورد بعضی از اشتباهاتی را که در مجاهدان رخ می‌دهد و ما شاهد آن هستیم یادآوری کنم، تا هشدار نسبت به آن و درمانش کامل شود. ما باید عمل‌گرا باشیم، همانا که علم برای عمل است. اما از جمله‌ی این اشتباهات این است که بعضی امیران به اینکه پیروان و سربازان‌شان به سخن گفتن درباره‌ی آبروی سایر امیران و مجاهداین بپردازند، راضی هستند و آن‌ها را نهی نمی‌کنند، بلکه شاید آن‌ها بر این کار نیز تشویق و تحریک کنند، حال برای خصومت شخصی یا دشمنی‌ای که با امیر دیگر دارد یا به خاطر غلبه بر او و به زیر سلطه‌ی خود درآوردن او است. این مرضی برای انسان است که علاج آن در ذات فرد است و بر امیران اصلی جماعت واجب است که مراقب کسانی باشند که زیر نظر و سرپرستی آن‌ها هستند و آن‌ها را درمان، راهنمایی و تأدیب کنند. بر امیر واجب است هنگامی که سخن ناشایستی از

پیروان‌شان در مورد سایر مجاهدین یا امیران جهادی دیگر بشنود، آن‌ها را از این کار نهی و از غیبت، سخن‌چینی و زیاده‌گویی درباره آبروی مسلمانان و سایر آفات زبان و سخن نا به جا دور کند. چگونه برخی بدون اینکه در دین عالم باشند و خدا را پرهیزکارانه و خالصانه بشناسند این کار انجام می‌دهند!؟

در جماعت‌ها و گروه‌های مختلف مجاهدین روایج یافته است که هر گروهی خود، امیرانش و کارهای‌شان را مدح می‌کنند و به آن افتخار می‌کنند و غیر از خود را حقیر می‌بینند و دیگران را با این گونه سخنان مورد طعن قرار می‌دهند: آن‌ها (سایر گروهای جهادی) درگیر نیستند و کاری انجام نمی‌دهند و ما چنین عملیات‌ها و شجاعت‌هایی صورت دادیم!! این نشان‌گرِ وجود تعدادی از امراض قلبی است، ازالله خواهان سلامت هستیم. بر همه‌ی امیران جهاد واجب است تمام این موارد را با ترویج اخلاق تواضع، اخلاص و ترس از بد فرجامی، اصلاح کنند. حسبنا الله و نعم الوکیل

امّا سوء ظن، شما چه می‌دانید خطر سوء ظن چقدر است؟! براستی بین مجاهدان بسیار است که منجر به طعن زدن به یکدیگر و متهم کردن گروهی توسط گروه دیگر می‌شود. مثلاً او این کار را به این خاطر انجام می‌دهد که چنین و چنان می‌خواهد یا فعل یا سخن برادرش را بر اساس اموری دنیایی تفسیر می‌کند که عمدتاً درگیری بر سر به فرماندهی رسیدن، غالب شدن و مقام و جاه‌طلبی است. برخی نیز دیگری را متهم می‌کند که جاسوس اطلاعاتی دشمن است و مثال‌های بسیاری وجود دارد که امکان بازگویی همه‌ی آن نیست. این خطری بزرگ است و امیران جهادی واجب است که در حُسن ظن مسلمان به برادران مسلمانش الگوی مردم باشند و این رفتار والا و منش بزرگ را به پیروان و سربازان‌شان یاد بدهند.

از الله متعال خواهانیم که ما و شما را به ایمان کامل مشرف بفرماید و ما را بر انجام اعمال صالح موفق گرداند و جهاد و هجرت‌مان را حفظ کند و آن را با فضل، منّت و کرمش برای ما کامل کند.

إنه وليّ الفضل والنعمة لا إله غيره ولا رب سواه.
والحمد لله رب العالمين ، وصلى الله على محمدٍ وآله وصحبه أجمعين.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته
ذو الحجة 1431 هـ